

صندوق با در باز

عباس عبدي

چند روز پیش آقای دکتر محمد رهبري کارشناس داده‌هاي فضاي مجازي- تحلیلي از فراواني توییت‌هاي مخالف و موافق با آقای پزشکيان در بازه ۲۷ تیر تا ۶ مرداد ماه را ارایه داده بود که بر اساس آن بیش از ۱۶۷ هزار توییت و ریتوییت راجع به مسعود پزشکيان منتشر شده است. داده‌ها نشان مي‌دهد که کاربران انقلابي و اصولگرا (منتقدان داخلي پزشکيان و از حاميان سعید جلیلي) در این مدت علیه او فعال بوده‌اند و ۴۰ درصد از شبکه را به‌خود اختصاص داده‌اند. از فشردگی این دسته از کاربران در نمودارهاي استخراجي مشخص است که فعالیت این گروه بیانگر سطحي از سازمان‌یافتگی نیز هست. کاربران برانداز و مخالف جمهوری اسلامي (مخالفان خارجي پزشکيان) نیز در این مدت ۳۶ درصد از شبکه را به خود اختصاص داده‌اند ولي حاميان پزشکيان (کاربران میانه‌رو و اصلاح‌طلب) فقط ۲۴ درصد از شبکه را به‌خود اختصاص داده‌اند. مساله این است که چرا اکنون که انتخابات تمام شده همچنان دشمني و کینه‌ورزي علیه او از جانب تندروها ادامه دارد؟ در حالی که رهبري نظام نیز به صراحت در این مورد موضع‌گیری و توصیه کرده‌اند و طبعاً مخاطب اصلي این توصیه‌ها همین نیروها هستند. جمله مقام رهبري روشن است. «باید همه به رییس‌جمهور منتخب در ادای وظایف کمک کنیم و از بُن دندان باور کنیم که موفقیت ایشان، پیروزي همه ماست». معنای دیگر این جمله بر اساس يك قاعده منطقي این است که؛ «شکست او نیز شکست همه ماست»، چون نمی‌شود در پیروزي شريك بود ولي در شکست نبود. پس باید در راه پیروزي او مشارکت کرد.

از این نظر باید ذهنیت علاقه‌مندان و حاميان آقای پزشکيان را به این نکته جلب کرد که نگران برخورد تندروها نباشند آنها به راحتی جمع خواهند شد. خیلی راحت‌تر از آنکه پهن شدند. وظیفه مقابله با این نیروها و جمع کردن آنها به عهده طرفداران پزشکيان نیست بلکه این وظیفه به عهده کسانی است که آنها را پهن کردند.

مساله عجیب این است که چرا این مجموعه مخالف پزشکيان، هنوز متوجه عمق ماجرا نشده‌اند و نمی‌دانند که این انتخابات به صورت شانس‌ي و بر حسب تصادف به وجود نیامده است. بلکه محصول وجود اراده‌اي معطوف

به عبور از گذشته است. در واقع باید گفت پزشکيان آخرين شانس براي حکومت است که از وضعیت موجود خارج شود و در مسيري قرار بگيرد که دوباره شاهد انتخابات ۸۰ درصدی باشد. شکست پزشکيان ساختار را به چند پله عقبتر از ۳۰ اردیبهشت امسال باز میگرداند و به طور قطع هیچ گام رو به جلویی محسوب نخواهد شد؛ چون هیچ چشم انداز و حتی خیال و تصور مثبتی از پیشرو نیست. سراب یکدستی بودن ثابت شد و به همین علت تغییر مسیر داده شد و بالاتر از یکدستی رنگ دیگری وجود ندارد که بخواهید به آن متوسل بشوید؟

بنابر این تغییر خط مشی سیاسی در سطح بالا باید به سطوح پایین نیز سرایت کند به ویژه ضرورت مشاهده این تغییر رفتار در حوزه رسانه‌ای امری جدی است. چون نیروهای رسانه‌ای تندرورها هنوز متوجه ابعاد و اهمیت تغییرات موجود نشده‌اند و رفتار گذشته برایشان تبدیل به عادت و جزو هویت آنان شده است و از آنجا که ترك عادت موجب مرض میشود برایشان سخت است که دست از آن رفتار بردارند. برخی از آنان در همین چند روز نیز به‌رغم تذکرات جدی، همچنان بر همان روال سابق رفتار کرده‌اند و این کار را در موضوع و تحلیل ترور اسماعیل هنیه نیز ادامه دادند.

این ماجرا ممکن است هنگام ارائه فهرست کابینه به مجلس نیز تکرار شود گرچه اطمینان دارم که یا شاهد چنین رویدادی نخواهیم بود و یا خیلی محدود خواهد بود. ولی لازم است که نمایندگان مجلس توجه کنند که کابینه کنونی محصول همان سیاست یکدست‌سازی است و اگر قرار بود که مشکلی را حل کند حتماً کار به این مراحل نمی‌رسید. ما نیازمند تحولی متعارف در هیات دولت هستیم که مردم را به آینده امیدوار کند. اگر قرار باشد که در بر همان پاشنه سابق بگردد اطمینان داشته باشید که همین حدود ۵۰ درصد مشارکت هم آب خواهند رفت؛ بدون اینکه نیازی به انتخابات دوباره باشد. انتخابات هر روز ادامه دارد. زیرا هر لحظه صندوق‌های رای با درهای باز در میدان‌های همه شهرها و روستاهای کشور وجود دارد، هر کسی که رای داده می‌تواند بیاید و رای خود را بردارد و کسانی هم که رای نداده‌اند می‌توانند بیایند و رای خود را در صندوق بریزند. رای معادل يك برگه کاغذی نیست؛ بلکه اراده تکتک مردم است. این سیاست‌های رسمی است که مردم را به یکی از این دو کار تشویق می‌کند. خود دانید.

منبع: روزنامه اعتماد 13 مرداد 1403 خورشیدی